



A Critical Analysis of the Scientific Interpretation of the Verses Related to the Creation of the World According to Interpreters of the Qur'an

Kavoos Rouhi Barandagh¹

Seyed Taghi Ale Mohammad²

Received: 03/05/2022

Accepted: 03/09/2022

Abstract

One of the fundamental theoretical issues that have been dealt with in physics and the Holy Qur'an is how the universe begins and ends. The present study has examined and analyzed different viewpoints about this issue via the library method in collecting materials and documentary method in conveying views and the qualitative and descriptive content analysis method in data evaluation, focusing on the Surah Anbiya, verse no. 30, Fussilat, verse no. 11 and Dariyat verse no. 47. The findings suggest that Qad-Re Mota-Yaqqan, based on the physical viewpoints and the Qur'anic references in the related verses, means that at the beginning of creation, the universe was a dense mass that emerged as a result of the splitting of that system of our existence and one of the most important stages in relation to human life is about the formation of the atmospheric layers, which the Qur'an refers to as the seven heavens, and the universe is continuously expanding until it begins to contract and the vast board of the universe is dissolved. However, we have no reason to associate events related to the Day of Resurrection with natural phenomena that will occur in the world based on scientific predictions.

Keywords

Creation of the world, scientific interpretation, expansion and contraction of the world.

1. Associate Professor of Tarbiat Modares University, Department of Qur'anic and Hadith Sciences. Tehran. Iran (corresponding author). k.roohi@modares.ac.ir.

2. PhD student of the Department of Qur'an and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University. Tehran. Iran. saidtagi114@gmail.com.

* Rouhi Barandagh, K., & Ale Mohammad, S. T. (2022). A Critical Analysis of the Scientific Interpretation of the Verses Related to the Creation of the World According to Interpreters of the Qur'an. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*. 4(12), pp. 9-26. DOI: 10.22081/JQSS.2022.63881.1186

تحليل نقديّ للتفسير العلمي للآيات ذات الصلة بكيفية خلق العالم من منظور المفسرين

السيد تقي آل محمد^١

كاوس روجي برندق^٢

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٥/٠٣

الملخص

تعدّ مسألة بداية عالم الوجود ونهايته من جملة المسائل النظرية الأساسية متعدّدة التخصصات التي جرى بحثها في علم الفيزياء وفي القرآن الكريم. والبحث الحالي يقوم بمراجعة وتحليل الآراء المختلفة حول هذه المسألة بالتركيز على الآية ٣٠ من سورة الأنبياء والآية ١١ من سورة فصلت والآية ٤٧ من سورة الذاريات. واتباع البحث الأسلوب المكتبي في تجميع المطالب، والأسلوب الوثائقي في نقل الآراء، وأسلوب التحليل النوعي والوصفي للمحتوى في تقييم المعطيات. وكانت نتيجة البحث هي أنّ القدر المتيقن من الآراء المادية والإشارات القرآنية في الآيات ذات الصلة هو أنّ عالم الوجود في بداية الخلق كان عبارة عن كتلة كثيفة متراكمة نشأ عالمنا الوجودي من انقسامها وانفجارها. ومن أهمّ مراحل عملية الخلق هذه بالنسبة للحياة الإنسانية هي عملية تكوين طبقات الغلاف الجوي التي عبر عنها القرآن الكريم بعنوان السماوات السبع، وأنّ عالم الوجود هو في حالة مستمرة من الامتداد والاتساع حتى يحلّ الموعد الذي يبدأ فيه هذا العالم بالانقباض وتنطوي فيه صفحة الوجود المبسطة. ومع ذلك فلا دليل لدينا يجعلنا نربط بين حوادث يوم القيامة وبين الظواهر الطبيعية التي تتوقّع التنبؤات العلمية حصولها في العالم.

المفردات المفتاحية

أصل العالم، التفسير العلمي، تمدّد الكون وتقلّصه.

١. أستاذ مشارك في جامعة تربيت مدرس، قسم علوم القرآن والحديث، طهران، إيران (الكاتب المسؤول).

K.roohi@modares.ac.ir

٢. طالب دكتوراه في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة إعداد المدرّسين، طهران، إيران.

saidtagi114@gmail.com

* روجي برندق، كاوس، آل محمد، السيد تقي. (٢٠٢٢). تحليل نقديّ للتفسير العلمي للآيات ذات الصلة بكيفية خلق العالم من منظور المفسرين. مجلة دراسات العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٤(١٢)، صص ٩ - ٢٦.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.63881.1186

تحلیل انتقادی تفسیر علمی آیات مربوط به چگونگی آفرینش جهان از نظر مفسران

سیدتقی آل محمد^۲

کاوس روحی برندق^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۳

چکیده

چگونگی آغاز و سرانجام جهان هستی، از جمله مسائل نظری بنیادی میان رشته‌ای است که در دانش فیزیک و قرآن کریم بدان پرداخته شده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب و شیوه اسنادی در نقل دیدگاه‌ها و روش تحلیل کیفی و توصیفی محتوا در ارزیابی داده‌ها به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف درباره این مسئله با محوریت آیات ۳۰ سوره انبیاء، ۱۱ فصلت و ۴۷ ذاریات پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قدر متیقن از دیدگاه‌های فیزیکی و اشارات قرآنی در آیات مربوط این است که در ابتدای خلقت، جهان هستی توده متراکمی بوده که در پی شکافته شدن آن نظام هستی ما پدید آمده است و یکی از مهم‌ترین مراحل آن نسبت به حیات انسانی مربوط به شکل‌گیری طبقات جو است که قرآن تحت عنوان سبع سماوات از آن یاد می‌کند و جهان هستی پیوسته در حال گسترش است تا اینکه زمانی شروع به انقباض کرده و صفحه گسترده هستی برچیده می‌شود؛ با این حال هیچ دلیلی نداریم که حوادث مربوط به زمان قیامت را مرتبط با پدیده‌های طبیعی سازیم که در جهان براساس پیش‌بینی‌های علمی رخ خواهد داد.

کلیدواژه‌ها

پیدایش جهان، تفسیر علمی، اتساع و انقباض جهان.

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران (نویسنده مسئول). k.roohi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ایران. saidtagi114@gmail.com

* روحی برندق، کاوس؛ سیدتقی، آل محمد. (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی تفسیر علمی آیات مربوط به چگونگی آفرینش جهان از نظر مفسران. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۲)، صص ۹-۲۶.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.63881.1186

مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ استفاده متقابل از دانش‌های تجربی چون فیزیک و نجوم در تفسیر قرآن و همین‌طور الهام‌پذیری از قرآن در طرح نظریات هستی وجود داشته است،^۱ اما در دوره معاصر این نوع گرایش و نگاه به آیات قرآن کریم، در تفاسیر علمی بسیار رواج پیدا کرده است. با ظهور و پیشرفت نظریات جدید کیهان‌شناسی در حوزه فیزیک همچون نظریه جهان ایستاتیک،^۲ نظریه جهان در حال گسترش (قانون هابل)،^۳ نظریه انقباض جهان،^۴ نوع نگاه به پیدایش جهان هستی در بین مفسران نیز به کلی دگرگون می‌شود و نظریات و موضع‌گیری‌های متعددی درباره آیات تکوین هستی مطرح می‌شود.

پژوهش حاضر درصدد است سه مرحله بنیادین مربوط به خلقت جهان هستی را در سه محور تحلیل و ارزیابی کند: ۱. چگونگی پیدایش و شکل‌گیری آسمان‌ها و زمین؛ ۲. مراد از هفت آسمان در سیر پیدایش جهان هستی؛ ۳. اتساع و انقباض جهان هستی در طول و فرجام آن.

پاره‌ای از پژوهش‌ها درباره مسئله این پژوهش، به‌ویژه چندین مقاله از سیدعیسی مسترحمی که به ابعاد مختلف موضوع پرداخته است، عبارت‌اند از:

۱. «عناصر مادی آفرینش جهان از منظر قرآن و کیهان‌شناسی»، نوشته سیدعیسی مسترحمی، مجله مطالعات تفسیری، زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۲۴، ص ۱۴۱ - ۱۵۶.

۱. برای نمونه رک: غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۳۷۹-۳۸۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، صص ۲۰۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۳۰.
۲. در این مدل برخی فیزیکدانان چون انشتین بر این باور بودند که جهان کروی کنونی ثابت است و هیچ تغییری در طول زمان نمی‌کند که بعدها این نظریه را رد کردند (ریگدن، ۱۳۸۱، ۱۲۹۰/۳).
۳. دانشمندانی چون ملیون سلیفر و ژرژ لومتر و هابل با تحقیقات گسترده و روابط دقیق ریاضی به این نتیجه رسیدند که جهان هستی به سرعت در حال گسترش است (هوگان، ۱۳۸۳، ص ۵۸).
۴. طبق تحقیقات و دستاوردهای علمی فیزیکدانان در مورد ماده تاریک و سیاه چاله‌ها انتظار می‌رود که جهان هستی همچنان که پیوسته در حال انبساط است، روزی این انبساط خاتمه یابد و جهان شروع به انقباض بکند و بساط این عالم برچیده شود (دیکسون، ۱۳۸۲، ص ۵۵۶).

۲. «نیروهای بنیادین حافظ نظم کیهانی در قرآن»، نوشته سیدعیسی مسترحمی، مجله قرآن و علم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۱۹، صص ۱۱۹ - ۱۳۰.
۳. «مطالعه تطبیقی مدل‌های آغاز آفرینش از منظر قرآن و کیهان‌شناسی»، نوشته سیدعیسی مسترحمی و سیدرضا مؤدب، مجله علوم قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۱۰۰، صص ۶۷-۸۰.
۴. «مدل کیهانی جهان مادی در قرآن»، نوشته سیدعیسی مسترحمی، مجله قرآن و علم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۱۶، صص ۱ تا ۲۰.
۵. «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم»، نوشته سیدعیسی مسترحمی، مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۴، صص ۸۳ - ۱۱۶.
۶. «تصویر هفت آسمان در قرآن و تمام نهج البلاغه»، نوشته سیدعلیرضا حجازی، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، بهار ۱۳۸۹ - شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۲۷ - ۶۱. این مقاله با استناد به برخی روایات و آیات، تمامی کرات و ثوابت و ستارگان (جهان محسوس) را متعلق به آسمان اول می‌داند و شش آسمان دیگر را ورای جهان محسوس می‌گیرد که هر یک دارای ملکوت ویژه است.
۷. «هفت آسمان و زمین»، نوشته علیرضا رضایی، مجله قرآن و علم، بهار و تابستان ۱۳۸۷ - شماره ۲، صص ۱۱۳ - ۱۳۴. در این مقاله نویسنده بر آن است که هفت آسمان می‌تواند به معنای عدد حقیقی یا عدد کثرت باشد و آسمان در قرآن می‌تواند به معنای جو زمین، جایگاه ستارگان و سیارات یا مراتب عالی وجود (آسمان معنوی) باشد و نظری قطعی مبتنی بر دلیل ارائه نمی‌کند.
۸. «تشابه آفرینش هفت آسمان با ساختمان درونی زمین از دیدگاه قرآن»، نوشته وحید حسینی تودشکی، مجله رشد آموزش معارف اسلامی، بهار ۱۳۸۰ - شماره ۴۴، صص ۴۴ تا ۴۶. پژوهشگر در این مقاله به تبیین دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله در مورد تشابه هفت آسمان با هفت زمین پرداخته و با استناد به مباحث زمین‌شناسی هفت طبقه بودن زمین را اثبات کرده است.
۹. «رتق و فتق آسمان‌ها و زمین»، نوشته یعقوب جعفری، مجله درس‌هایی از مکتب

اسلام، فروردین ۱۳۹۵ - شماره ۶۵۹، صص ۲۵-۲۹. جعفری در این پژوهش به مسئله انفجار بزرگ و ارتباط آن با آیه ۳۱ سوره انبیا پرداخته که در پایان مراد از رتق و فتق آسمان‌ها و زمین را نزول باران دانسته و نظریه علمی را خارج از معنای آیه قلمداد کرده و ادعای اعجاز قرآن در این آیه را رد کرده است.

در عین حال مسائل سه‌گانه یادشده که از تسلسل منطقی در تکون جهان برخوردار هستند، یک‌جا و با تأکید بر دیدگاه مفسران با رویکرد تفسیر علمی و با غرض رفع تعارض ظاهری علم و دین در این مقوله، به مسئله پرداخته نشده است.

با توجه به اینکه مقوله هفت آسمان به قلم خود نگارنده به‌طور جداگانه در مقاله‌ای تحت عنوان «رهیافت زبان‌شناسانه در تحلیل معنای هفت آسمان» به‌طور مفصل بررسی شده است، برای پرهیز از تکرار مطالب و برای اینکه انسجام و تسلسل مراحل سه‌گانه پابرجا بماند، تنها به نتایج آن مقاله اشاره خواهد شد.

۱. چگونگی شکل‌گیری آسمان‌ها و زمین

نظام هماهنگ موجود در سراسر پهنای آسمان‌ها و زمین - کل جهان مادی محسوس - دانشمندان را برآن داشته است که در پی رسیدن به مبدأ تکون این نظام منسجم برآیند؛ از این‌رو در طول تاریخ نظریات گوناگونی درباره چگونگی شکل‌گیری جهان هستی از سوی فلاسفه و دانشمندان مطرح شده است و از آنجا که به‌طور سربسته در آیات ۳۸ سوره انبیاء و ۱۱ سوره فصلت به مبدأ تکون آسمان‌ها و زمین اشاره شده است، همین امر موجبات استفاده از نظریات فیزیکی را برای مفسران فراهم کرده است، به‌طوری که حتی عده‌ای از مفسران با تطبیق آیات قرآن به این نظریات فیزیکی، اعجاز علمی قرآن را هم در این مورد مطرح کرده‌اند که در ادامه به بیان دیدگاه این گروه در مورد تفسیر این دو آیه می‌پردازیم.

طنطاوی در تفسیر آیه «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ؛ آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا

ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [بازهم] ایمان نمی‌آورند؟» (انبیاء، ۳۰) بر آن است که منظور از «رتق» آسمان‌ها و زمین ملتحم و متصل به هم بودن آنها است و مراد از «فتق» گسست و زوال اتحاد و به هم پیوستگی پیشین این دو است و در ادامه این بیان قرآنی را مطابق با نظریه انفجار بزرگ (مهبانگ) خوانده است. وی این نظریه را قطعی نمی‌داند و می‌گوید مشهور در زمان ما این نظریه است و توجیه‌گر رتق و فتق آسمان‌ها است و چه‌بسا در آینده نظریه‌ای دیگر این رتق و فتق را به نوعی دیگر تحلیل کند؛ اما در اینکه طبق صریح آیه قرآن رتق و فتقی صورت گرفته در بین علما اختلافی نیست، اگرچه در کیفیت آن ممکن است اختلاف پدید آید (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۱۰، ص ۱۸۹ و ج ۱، ص ۴۷). در ادامه وی استفهام تقریری به کاررفته در آیه «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» را نیز از معجزات قرآن به‌شمار می‌آورد (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۱۰، ص ۱۹۰)؛ چراکه در آن زمان این علم نه نزد عرب بوده و نه نزد معاصران آنها، بلکه این علم در زمان ما پدیدار گشته است؛ از این رو شایسته است آمدن چنین خبر و مطلبی از معجزات قرآن کریم محسوب شود.

همو در آیه ۱۱ سوره فصلت «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» دخان را گاز فشرده اثری (گازهای هیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان‌ها) می‌داند که در ابتدای خلقت متراکم و دارای چگالی بسیار بالایی بوده است و بعدها به‌مرور زمان بر اثر حرکت و فشرده‌گی بالا سبب شکل‌گیری ذرات تشکیل‌دهنده و ایجاد واکنش‌های هسته‌ای گشته که منجر به پیدایش سیارات و ستارگانی همچون خورشید شده است (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۱۸، ص ۱۸۹ و ج ۱۰، ص ۱۹۹ و ج ۹، ص ۲۷ و ج ۱، صص ۴۹-۵۲) که این هم اشاره به واقعیت علمی است که اولین بار توسط «لاپلاس» دانشمند فرانسوی اظهار گردید (هاوکنگ، ۱۳۶۹، صص ۱۴۵-۱۴۹) و امروز در فیزیک نوین صحت فرضیه علمی لاپلاس اثبات شده است.

این دو دیدگاه مختص طنطاوی نیست، بلکه در پی ایشان مفسرانی دیگری هم هستند که به احتمال یا قطع به یقین آیات مورد نظر را ناظر بر انفجار عظیم (مهبانگ) دانسته و آن را از معجزات قرآن کریم قلمداد کرده‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، صص ۲۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، صص ۲۷۸-۲۷۹؛ معرفت، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۱۲۹-۱۳۹؛ بوکای، ۱۳۹۳،

صص ۱۸۹-۲۰۱؛ نوفل، ۱۳۹۳، صص ۱۶۲-۱۶۳؛ شهرستانی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۱-۱۴۵؛ الجابی، ۱۹۹۲م، صص ۱۰۶-۱۱۱).

۲. خلقت هفت آسمان

از آسمان‌های هفت گانه در آیات مختلفی از قرآن کریم (بقره، ۲۹؛ اسراء، ۴۴؛ مؤمنون، ۸۶ و ۱۷؛ فصلت، ۱۲؛ ملک، ۳؛ نوح، ۱۵؛ طلاق، ۱۲؛ نبأ، ۱۳) سخن به میان آمده است. در طول تاریخ مفسران و اندیشمندان اسلامی هریک به نوعی درصدد تطبیق آیه با نظریات کیهان‌شناسی موجود بوده‌اند، به طوری که بوعلی سینا با افزودن عرش در قرآن به عنوان فلک نهم و دانستن فرشتگان حامل عرش به مثابه هشت افلاک درصدد جمع بین نظریه بطلمیوسی با قرآن شده است (ابن سینا، بی‌تا، ص ۱۲۹). در پی او علامه مجلسی و شهرستانی با افزودن کرسی و عرش به هفت فلک، بین عقل و شرع جمع کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۵). عده‌ای دیگر نیز هفت آسمان را بر هفت سیاره شناور به دور زمین و خورشید (نیازمند شیرازی، ۱۳۳۵، ص ۱۴۵)، سیارات هفت گانه مشهود زمان خویش (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۸۵۷۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۵۲، جمیلی، ۲۰۰۰م، ص ۱۵)، لایه‌های هفت گانه اتمسفر جو (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۱؛ جعفری، بی‌تا، ص ۱۱۵) تطبیق دادند. در نهایت برخی مفسران با وجود اینکه بر این شدند که همه آسمان‌های هفت گانه جسمانی و مادی هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۷؛ حجازی، ۱۳۸۹، ص ۳۰)، در ربط امور غیرمادی مانند نحوه ارتباط فرشتگان و دیگر امور غیبی غیرمادی به آسمان‌ها دست به تأویل زدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۸)؛ اما در نگاه طنطاوی عدد هفت عدد کثرت است، نه عدد تعداد، یعنی در آیات مربوطه، عدد هفت آسمان واقعی نیست و می‌تواند تعداد آسمان بیشتری وجود داشته باشد و اساس تعیین عدد هفت را هم ناشی از افکار یونانیان می‌داند که از علمای اسکندریه به جای مانده است؛ چراکه آنها به فلک قائل بودند که هفت عدد آنها (ماه - عطارد - زهره - خورشید - مریخ - مشتری - زحل) به دور زمین می‌چرخند و فلک هشتم جایگاه ثوابت و فلک نهم نیز مبدأ حرکت بوده است (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۸).

۳. اتساع و انقباض آسمان و زمین

همچنان که مبدأ پیدایش جهان هستی از مسائل چالشی در بین علمای دین و دانشمندان علوم کیهان‌شناسی است، سیر تکاملی و فرجام و نهایت امر جهان هستی نیز به‌خصوص با پیشرفت علم جزو مسائل جذاب و بحث‌برانگیز در محافل علمی و دینی است، از این رو از یک سو دانشمندان فیزیک نظریات مختلفی را درباره ثبات یا اتساع جهان هستی ارائه داده‌اند که در بخش مقدمه به آنها اشاره شد و در دیگر سو در آیه ۴۷ سوره ذاریات «وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» به‌طور سربسته به نوعی از اتساع اشاره شده است. به همین جهت میان مفسران در تعیین متعلق اتساع بحث و گفتگو است، به‌طوری که بیشتر مفسران پیشین و حتی معاصر که اطلاعی از انبساط جهان هستی - به آن نحو که در فیزیک نوین مطرح شده است - نداشتند، آیه را بیشتر به معنی توسعه و گسترش در رزق از جانب الله تعالی بر بندگان به واسطه نزول باران و غیره یا از وسع به معنای طاقت گرفته‌اند که در این حالت مراد از «لموسعون» را «لقادرون» دانسته‌اند؛ همچنان که در آیه «عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ» (بقره، ۲۳۶) نیز به این معنی است (برای نمونه ر.ک: بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۳۲؛ ابن‌قتیبه، بی‌تا، ص ۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۴۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۰۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۸۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۵۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۳۸۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸)؛ اما عده دیگری از مفسران علاوه بر تفسیر پیشین تفسیر دیگری هم از آیه اراده کرده‌اند که با کشفیات مطرح‌شده در علوم فیزیک تطابق دارد و آن گسترش پیوسته جهان هستی است که ظاهر آیه که در باب افعال آمده و تعبیر به «إِنَّا لَمُوسِعُونَ» در اسلوب جمله اسمیه و اسم فاعل که دلیل بر تداوم است نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۸۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۲۲، ص ۳۷۲؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۷، ص ۳۳۷؛ الفیومی، ۱۴۲۵ق، ص ۹). در این نظریه فیزیکی ثابت شده است این اتساع پیوسته وجود داشته و همواره نیز ادامه دارد (فرد هویل، ۱۳۳۹، ص ۳۳۹)، به‌طوری که تمام اجرام آسمانی و کهکشان‌ها در ابتدا با چگالی فوق‌العاده بالایی در یک نقطه متمرکز بوده و سپس با انفجار عظیمی که در آن به وقوع پیوست، اجزای جهان متلاشی و پراکنده گشته و به‌صورت سیارات و ستارگان مشهود در آسمان درآمده است که این

ستارگان پیوسته با سرعت بسیار بالایی - در حدود ۶۶ هزار کیلومتر در ثانیه - در حال دور شدن از مرکز کهکشان خود هستند.

طنطاوی ذیل تفسیر این آیه قائل به دو احتمال می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. «موسعون» از وسع به معنای طاقت و توانایی است و «أید» به معنای قدرت است (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۲۳، ص ۱۱۹) که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و به‌راستی که ما در برطرف کردن روزی و نیاز بندگان توانا هستیم.
۲. «موسعون» از وسع در باب افعال به معنای توسعه و گسترش دادن است و عبارت «ما بینها» در تقدیر است که در این صورت معنای آیه می‌شود: ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و به‌راستی که ما بین آسمان و زمین را گسترش و توسعه می‌دهیم (طنطاوی ۱۳۵۰، ج ۲۳، ص ۱۱۹)؛ اما اینکه مراد از توسعه بین آسمان و زمین چیست، در اصل تفسیر اشاره‌ای بدان نکرده است؛ ولی در پیوستی که در اواخر عمر خویش بر این تفسیر نگاشته‌اند، قائل به اتساع جهان هستی شده است (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۲۵، صص ۸۶-۸۹) که در فیزیک جدید به‌طور مبسوط و مستدل بدان اشاره شده است.

اما درباره فرجام جهان هستی در آیات فراوانی، به‌ویژه در سوره‌های کوتاه که بیانگر احوالات آستانه قیامت و دگرگونی‌های عظیم در کل عالم هستی است، سخن به میان آمده است، ولی در آیات ۱۰۴ انبیاء، ۶۷ زمر و آیه ۱۰ سوره دخان به بازگشت جهان هستی به حالت نخستین (دخان و ماده اثیری) اشاره شده است که مرتبط با فرضیه بیگ کرانچ در فیزیک نوین (دیکسون، ۱۳۸۲، ص ۵۵۶) است که سرنوشت نهایی جهان ما و سایر جهان‌ها را رقم می‌زند.

طنطاوی ذیل آیه ۱۰۴ سوره انبیاء «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكَتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» به این فرضیه علمی نیز اشاره کرده، می‌گوید در پیچیده شدن و درنوردیده شدن این طومار شگفت‌انگیز عالم همان بازگشت و تراکم به حالت نخستین آفرینش در مرکز ماده اثیری است که این جهان بدیع و منظم را پدید آورده بود، تا مجدداً زمینه را برای شکل‌گیری جهانی دیگر فراهم کند (طنطاوی، ۱۳۵۰، ج ۱۰، ص ۲۳۳ و ج ۲۱، ص ۲۲ و ج ۱۲، ص ۱۳۱ و ج ۱۲، صص ۱۸۱-۱۸۲ و ج ۲۳، ص ۱۹) همچنان که آیه ۶۷

زمر «وما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» و آیه ۱۰ سوره دخان «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» و آیه ۲۵ فرقان «وَ يَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلاً» نیز بر این امر دلالت دارند.

۴. تحلیل و ارزیابی

۴-۱. رتق و فتق آسمان‌ها و زمین

اشکالی بر اصل و چگونگی بهره‌بردن از نظریه علمی در تفسیر آیه «رتق و فتق» وارد نیست. توضیح آن اینکه اولاً از حدود و ثغور تفسیر قرآن تخطی نشده، ثانیاً آن نظریه علمی هم که به عنوان شاهد در تبیین آیه آورده شده، نه تنها مسلم انگاشته نشده، بلکه احتمال باطل شدن آن با گذشت زمان مورد تأکید قرار گرفته است؛ از این رو ظنی بودن نظریه، خللی در تفسیر ایجاد نمی‌کند. کوتاه سخن آنکه آیه ۳۱ سوره انبیاء به‌طور سربسته تنها دلالت بر رتق و فتق دارد و از چگونگی آن سکوت کرده است و نظریه فیزیکی هم اصل شکافته‌شدن توده متراکم را اثبات کرده است.

۴-۲. مسئله «سبع سماوات»

۱. در آیه مورد بحث نظر طنطاوی مبنی بر اینکه لفظ «سبع» صرفاً بر کثرت بودن دلالت دارد، با توجه به کارکرد قرآنی واژه می‌تواند احتمال موجهی تلقی شود (آل‌محمد، ۱۳۹۸، ص ۲۳۲).

۲. بر اساس زبان عرف عام قرآن، مراد از هفت آسمان همان چیزی است که در عرف آن زمان شناخته شده بود و قرآن هم از باب تعریض بدان اشاره کرده است، و هیچ اعتراضی از سوی شنوندگان نخستین در مورد آیات مذکور وارد نشده است و خود این سکوت نشان از معهود بودن «سبع السماء» در میان شنوندگان نخستین کلام الله مجید دارد؛ بر این اساس مراد از هفت آسمان احتمالاً همان هفت سیاره منظومه شمسی است که با چشم غیر مسلح می‌دیدند و مورد پذیرش عموم بود. دلیل بر این ادعا هم آیه ۱۵

سوره نوح (أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا) است (آل محمد، ۱۳۹۸، ص ۲۳۲).
 ۳. مفسران در اینکه مراد از آسمان‌های هفت گانه چیست، نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند؛ اما با در نظر گرفتن بعد زبان علمی قرآن، هفت آسمان ناظر بر طبقات جوّ است. شواهد و قرائنی همچون تناسب تابندگی ماه و خورشید در طبقات جو در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نوح، هفت گانه بودن زمین همانند آسمان‌های هفت گانه (طلاق، ۱۲)، نزول باران از طبقات جو زمین (مؤمنون، ۱۷ و ۱۸)، خاصیت و قدرت بازگرداندگی طبقات جو (آسمان) در آیه ۱۱ سوره طارق، اتمسفر به عنوان سقف حفاظ زمین، در آیه ۳۲ سوره انبیاء، تناسب طبقه طبقه بودن آسمان با طبقات جو (ملک، ۳)، خلقت آسمان (جو) پس از زمین (فصلت، ۱۲) این نظریه را تقویت می‌کند (آل محمد، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵).

۳-۴. اتساع و انقباض جهان هستی

۱. در مورد اتساع جهان هستی نیز از نظرگاه مبنایی ایرادی به تفسیر علمی ارائه شده از آیات مورد بحث وارد نیست و از حدود و ثغور تفسیر قرآن تخطی نکرده‌اند و نظریه علمی را هم به عنوان معنای ثانوی برای آیه در نظر گرفته‌اند؛ ولی تقدیری که در آیه مورد بحث گرفته شده، نه تنها مقرون به قرینه نیست، بلکه مضاف بر آن معنای آیه در گسترش دادن «ما بین آسمان‌ها و زمین» هم در این صورت چندان مشهود و ظاهر به نظر نمی‌رسد، گرچه می‌توان این‌طور توجیه کرد که با کل اتساعی که در عالم هستی روی می‌دهد، به تبع آن در فاصله بین آسمان‌ها و زمین هم اختلاف افزایشی پیدا می‌شود؛ البته طنطوای باز این نظریه را هم به‌طور قطع نپذیرفته و تنها در حد تبیین بهتر معنای آیه و جهت ترغیب امت مسلمان در روی‌آوری به علم، این نظریه را در ملحق تفسیر خویش مطرح کرده است.

۲. درباره اصل و بنیاد نظریه فیزیکی و معنای آیه مورد بحث در اتساع باید گفت آیه با صیغه اسم فاعل دلالت در گسترش پیوسته و مداوم جهان هستی از آغاز دارد؛ همچنان که برخی مفسران نیز بر این امر اذعان داشته‌اند و همین‌طور اصل نظریه فیزیکی

در مورد اتساع جهان هستی نیز امری اجماعی و اثبات شده در بین دانشمندان فیزیکی است (هوگان، ۱۳۸۳، ص ۵۸).

۳. در مورد انقباض جهان هستی گفتنی است آیات فراوان قرآنی از پیچیده شدن طومار هستی و انکدار و انتشار ستارگان و دیگر احوالات زمین و آسمان در پیش از وقوع قیامت به صراحت خبر می دهد؛ ولی هیچ دلیلی نداریم این حوادث را مرتبط با پدیده های طبیعی سازیم که در جهان براساس پیش بینی های علمی رخ می دهد یا خواهد داد؛ افزون بر اینکه خود این امر مغایر با نامعلوم بودن زمان وقوع قیامت است که در آیات قرآنی بدان تصریح شده است؛ اما علم در مورد این آیات می تواند جنبه روشنگری و ایجاد تقریب به ذهن داشته باشد. توضیح اینکه مثلاً در مورد آیات سوره القارعه «الْقَارِعَةُ ۞ مَا الْقَارِعَةُ ۞ وَ مَا أَذْرٰكُكَ مَا الْقَارِعَةُ ۞ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۞ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» از نظر تکنولوژی شبیه سازی در علم کیهان شناسی دقیقاً احوالات زمین هنگام سقوط به یک سیاه چاله را ترسیم می کند؛ ولی این لزوماً بدین معنا نیست که بگوییم در زمان وقوع قیامت زمین باید توسط یک سیاه چاله بلعیده شود، بلکه الله تعالی فعال لما یرید است و با کن فیکون طومار هستی را به هر نحوی که بخواهد درمی نورد؛ اما این نوع هماهنگی آیات مربوط به قیامت با پدیده های طبیعی پیش بینی شده در علم می تواند بهترین تقریب به ذهن از احوالات قیامت باشد و چه بسا غرض از این نوع ترسیم احوالات قیامت هم که همخوانی با علم دارد، از باب تقریب به ذهن و امثال باشد، تا قلب و عقل مؤمن همراه هم در برابر کلام الله خضوع و خشوع کند و این از معجزات آشکار قرآن کریم است.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر در سه محور ۱. چگونگی پیدایش و شکل گیری آسمان ها و زمین، ۲. مراد از هفت آسمان در سیر پیدایش جهان هستی، ۳. اتساع و انقباض جهان هستی در طول و فرجام آن، به قرار زیر است:

آیه ۳۱ سوره انبیا به طور اجمال حاکی از رتق و فتق نخستین جهان متراکم هستی

است که نظریه انفجار عظیم در فیزیک نیز همین اصل شکافته شدن توده متراکم را اثبات کرده است. اگرچه در جزئیات همین نظریه در بین دانشمندان فیزیک اختلاف هست، ولی اصل شکاف و انفجار به طور مسلم پذیرفته شده است؛ به عبارت دیگر قدر متیقن از دیدگاه فیزیکی و بیان قرآنی این است که در ابتدای خلقت هستی جهان به طور توده متراکمی بوده است که در پی شکافته شدن آن نظام هستی پدید آمده است؛ از - این رو ایرادی به دیدگاه مفسران و چگونگی بهره بردن ایشان از نظریه علمی «انفجار عظیم» نیست؛ چراکه نه تنها از حدود و ثغور تفسیر قرآن تخطی نشده، بلکه نظریه علمی هم که شاهد بر بیان آیه آورده شده، قطعی تلقی نشده و احتمال رد شدن آن هم مورد تأکید قرار گرفته است.

با توجه به قرائن درون قرآنی و دلایل متقن علمی مراد از آسمان‌های هفت گانه در آیه ۱۱ سوره فصلت از نظرگاه زبان علمی قرآن که در متن مقاله بدان اشاره شد، همان طبقات جو است.

درباره اصل و بنیاد نظریه فیزیکی و معنای آیه مورد بحث در اتساع جهان باید گفت آیه با صیغه اسم فاعل دلالت بر گسترش پیوسته و مداوم جهان هستی از آغاز دارد و در مورد انقباض جهان هستی گفتنی است آیات فراوان قرآنی از پیچیده شدن طومار هستی و انکدار و انتشار ستارگان و دیگر احوالات زمین و آسمان در پیش از وقوع قیامت به صراحت خبر می‌دهد؛ ولی هیچ دلیلی نداریم که این حوادث را مرتبط به پدیده‌های طبیعی سازیم که در جهان براساس پیش‌بینی‌های علمی رخ می‌دهد یا خواهد داد؛ افزون بر اینکه خود این امر مغایر با نامعلوم بودن زمان وقوع قیامت است که در آیات قرآنی بدان تصریح شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آل محمد، سید تقی؛ نهله غروی نایینی، سید تقی؛ آل محمد، محسن؛ فریادرس مهدی، کامران. (۱۳۹۸). رهیافت زبان‌شناسانه در تحلیل معنای هفت آسمان. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۲(۲)، صص ۲۲۷-۲۳۸.
۲. آلوسی سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (ج ۱۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (بی تا). رسائل ابن سینا. قم: نشر بیدار.
۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (بی تا). غریب القرآن بن القتیبه. [بی جا]: [بی نا].
۵. بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان (ج ۴، محقق: عبدالله محمود شحاته). بیروت: دار احیاء التراث.
۶. بوکای، موریس. (۱۳۹۳). مقایسه‌ای میان تورات انجیل قرآن و علم، ادیان آسمانی و علوم (مترجم: ذبیح دبیر). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (ج ۳ و ۵، محقق: محمد عبدالرحمن المرعشلی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. الجابی، سلیم. (۱۹۹۲م). النظرية القرآنية الكونية حول خلق العالم. دمشق: سلیم الجابی.
۹. جعفری، یعقوب. (بی تا). کوثر، [بی جا]: [بی نا].
۱۰. حجازی، سید علی رضا. (۱۳۸۹). تصویر هفت آسمان در قرآن و تمام نهج البلاغه. پژوهش‌های نهج البلاغه، ۲۷ و ۲۸، صص ۲۷-۶۱.
۱۱. دیکسون، رابرت. تی. (۱۳۸۲). نجوم دینامیکی (مترجم: احمد خواجه نصیر طوسی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۳. ریگدن، جان. (۱۳۸۱). دانشنامه فیزیک. تهران: دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه.
۱۴. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن (ج ۲). بیروت: دار المعرفة.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۴). بیروت: دارالکتب العربی.
۱۶. سید قطب. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن (ج ۶). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). الإلتقان فی علوم القرآن (ج ۲). بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. شهرستانی، سیدهبه الدین. (۱۳۸۷). اسلام و هیئت. قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن (ج ۲۷). قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۰. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (ج ۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۴، ۱۷ و ۱۸). قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمية قم المقدسه.
۲۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۹). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طنطاوی جوهری. (۱۳۵۰). الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم (ج ۱، ۹، ۱۰، ۱۸، ۲۳ و ۲۵). قاهره: مصطفی البابی الحلبي.
۲۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. (۱۳۷۶ق). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۹). نجف: المطبعة العلمية.
۲۵. غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۱۲ق). احیاء علوم الدین (ج ۳). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. فیومی، سعید الصلاح. (۱۴۲۵ق). الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم مع الله فی السماء. قاهره: مكتبة القدسی.
۲۷. قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل (ج ۱۶). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۸. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۵۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۸). التمهید فی علوم القرآن (ج ۶). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۴). تفسیر نمونه (ج ۲۰ و ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. نوفل، عبدالرزاق. (۱۳۹۳ق). القرآن و العلم الحديث. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۳. نیازمند شیرازی، یدالله. (۱۳۳۵). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی. تهران: شرکت چاپ میهن.
۳۴. هاو کینگ، استیون؛ ویلیام، استفن. (۱۳۶۹). تاریخچه زمان از انفجار بزرگ تا سیاه چالها (مترجمان: حبیب الله دادفرما و زهره دادفرما). تهران: انتشارات کیهان.
۳۵. هوگان، کریگ. (۱۳۸۳). انفجار بزرگ (مترجم: علی فعال پارسا)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۶. هوپل، فرد. (۱۳۳۹). مرزهای نجوم (مترجم: رضا اقصی). تهران: امیرکبیر.

References

* The Holy Qur'an.

1. Ale-Mohammed, S. T., & Nahle Gharavi Nayini, S. T., & Ale-Mohammed, M., & Faryadras Mehdi, K. (1398 AP). Linguistic approach in analyzing the meaning of seven heavens. *Journal of Quran and Hadith Studies*, 12(2), pp. 227-238. [In Persian]
2. Al-Jabi, S. (1992). *Al-Nadariyah al-Qur'aniyah al-Koniyah Hawl Khalgh al-Alam*. Damascus: Salim al-Jaabi.
3. Alousi S. M. (1415 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim* (Vol. 14). Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiyah. [In Arabic]
4. Baidawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Tawil*. (Vols. 3, 5, Al-Mar'ashi, A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
5. Balkhi, M. (1423 AH). *Tafsir Maqatil Bin Sulaiman*. (Vol. 4, Shahate, A. M, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath. [In Arabic]
6. Bocay, M. (1393 AP). *A comparison between the Torah, the Bible, the Qur'an and science, heavenly religions and science*. (Dabir, Z, Trans.). Tehran: Islamic Culture Publications Office. [In Persian]
7. Dixon, R. T. (1382 AP). *Dynamic astronomy*. (Khajeh Nasir Toosi, A, Trans.). Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]
8. Fakh Razi, A. (1420 AH). *Tafsir Kabir*. (Mufatih al-Ghaib) (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiya. [In Arabic]
9. Foyoumi, S. (1425 AH). *Al-Ijaz al-Ilmi fi Qur'an al-Karim Ma'a Allah fi al-Sama'*. Cairo: Al-Qudsi School. [In Arabic]
10. Ghasemi, M. J. (1418 AH). *Mahasin al-Ta'awil* (Vol. 16). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
11. Ghazali, M. (1412 AH). *Ihya Ulum al-Din* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiyah. [In Arabic]
12. Hawking, S., & William, S. (1369 AP). *The history of time from the big bang to black holes*. (Dadfarma, H., & Dadfarma, Z, Trans.). Tehran: Keihan Publications. [In Persian]

13. Hejazi, S. A. R. (1389 AP). The image of the seven heavens in the Qur'an and the entire Nahj al-Balaghah. *Nahj al-Balagheh Researches*, 27 & 28, pp. 61-27. [In Persian]
14. Hogan, C. (1383 AP). *The Great Explosion*. (Fa'al Parsa, A, Trans.), Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House. [In Persian]
15. Hoyle, F. (1339 AP). *The boundaries of astronomy*. (Aqsi, R, Trans.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
16. Ibn Qutaiba, A. (n.d.). *Gharib al-Qur'an bin Al-Qutaiba*.
17. Ibn Sina, H. (n.d.). *Rasa'il Ibn Sina*. Qom: Bidar Publications.
18. Jafari, Y. (n.d.). *Kausar*,
19. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar Al-Anwar* (Vol. 55). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
20. Makarem Shirazi, N. (1364 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vols. 20, 22). Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
21. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
22. Marefet, M. H. (1378 AP). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an* (Vol. 6). Qom: Center for Management of Qom Seminary. [In Persian]
23. Niazmand Shirazi, Y. (1335 AP). *Miracles of the Qur'an in terms of modern science*. Tehran: Mihan Printing Company. [In Persian]
24. Noufel, A. (1393 AH). *The Qur'an and the science of hadith*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
25. Rigden, J. (1381 AP). *Physics encyclopedia*. Tehran: Graduate University of Basic Sciences. [In Persian]
26. Sadeghi Tehrani, M. (1365 AP). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an be al-Qur'an* (Vol. 27). Qom: Islamic Culture Publications. [In Persian]
27. Seyed Qutb. (1412 AH). *Fi Zilal al-Qur'an* (Vol. 6). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
28. Shahrestani, S. (1387 AP). *Islam and mourning ceremonies*. Qom: Islamic Publications. [In Persian]

29. Soyouti, J. (1421 AH). *Al-Itqan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
30. Tabarsi, A. (1372 AP). *Tafsir Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 9). Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Persian]
31. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 14, 17, 18). Qom: Jame' al-Mudaresin fi al-Hawzah al-Ilmiah Qom al-Mughadaseh. [In Arabic]
32. Taleghani, S. M. (1362 AP). *A light of the Qur'an* (Vol. 1). Tehran: Sherkat Sahami Intishar. [In Persian]
33. Tantawi Johari. (1350 AP). *Al-Jawahir fi Tafsir Al-Qur'an Al-Karim* (Vols. 1, 9, 10, 18, 23, 25). Cairo: (Al-Babi al-Halabi, M. Ed.). Egypt: Cairo. [In Persian]
34. Tusi, A. (1376 AH). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Najaf: Al-Matba'ah Al-Ilmiah. [In Arabic]
35. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf an Hagha'igh Ghawamiz al-Tanzil* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
36. Zarkeshi, B. (1410 AH). *Al-Burhan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]